

۷ سنز

صوبہ اسی

۲۵

جزوه امنیتی

تاریخ ۱۰/۵/۳۰

إِنَّ أَخَ الْغَرَبِ الْأَقْرَبَ وَمَنْ نَامَ لَمْ يَسْمَعْ عَنَهُ

برادر بلیغ (انقلابی) هشیار است و کسی که از دشمن
مخفی شود دشمن از او مخفی نخواهد بود (کسی که
از دست دشمن بگریزد دشمن نخواهد خوابید)

۷

رهن مطالب در آن خزانه

الف = اخبار امینی

۱- خبر کارخانه سگاک پستانزل

۲- اخبار تنگه

۳- درگیری و لورین کوههای آملی

۴- اخبار مربوط به زنتار در صمدیه

ب = تجربیات امینی

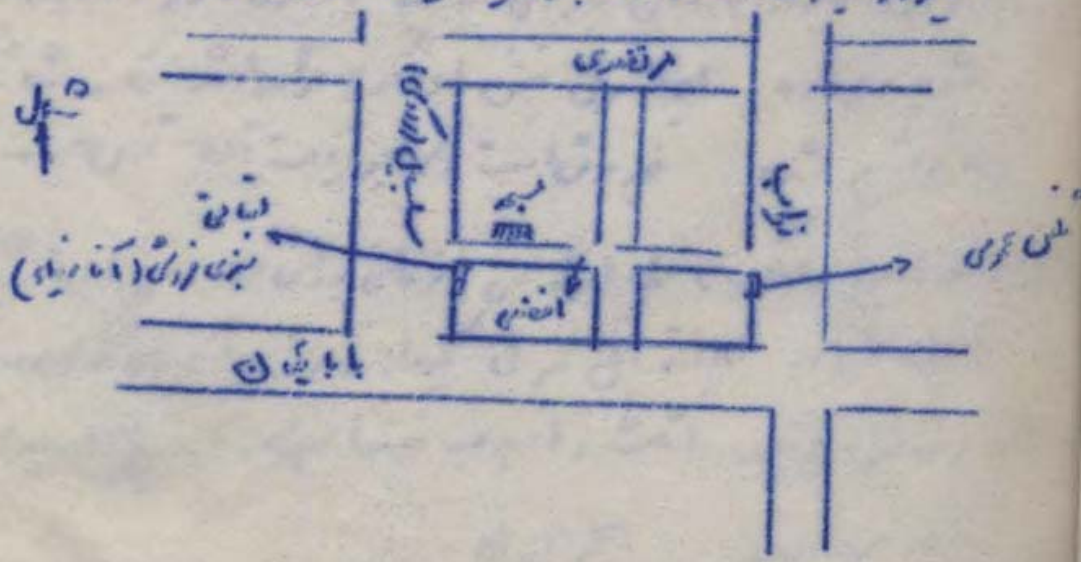
ج = تجربیاتی درباره عمل انفورماتیک در شرکت ایرانا

اخبار امنیتی

هجر آرد حیانه ساک به منازل

۱- منزلی واقع در جنبان خواص اخیر (منبع شاهی) نزدیک نظام آباد پلاک ۱۱۱
در روز انزلی تراژدی است.

۲- در روز چهارشنبه صبح در جنبان حیانه کشته شد. با جنک زیاد کنترل کرده امنیتی
بیشتر خطرات کنترل رفت و آمد و بسیاری است که در آن کوه واقع است با توجه به
اینکه منزل پیشتر نیز هم در حدود اواخر ماه اردیبهشت در این فرود است کنترل
بوده (جنبان گلکار که چهارم) در فرود این برای رسیدگی فرود
پیشتر نیز هم فزون در این است و سبب جنبان می بود و یکی فرود بود
ظاهراً مسازت بود در دسترس از ترابراهان منزل رسید است کنترل
با توجه به این شد برادران با او از ترابراهان هم می فرود در نشانی استاده کشته
در این جنبان گلکار با توجه به این جنبان بسیار فرود است



میردش است. اول شنبه بخار در آب است و درست یعنی جیب فرزند از برود
 ن که در سال ۱۵ و شنبه در ۱۰ سال گنوم شده و اکنون در زندان سقری باشد
 است ۲ شنبه ۱۱ تیر ماه خناس واقع در میان کنی خیابان پیرامون کوی
 پلاک ۱ در دو حجره ساداک قرار گرفته است و چون آتش در خانه برده
 از زرد فودی معتبر با صاحب خانه دشمنی شده جا برادر ۱۵ ساله اش را
 مان برده اند و بی بی از دستگیری او در منزل گریان را آزاد کرده اند که در
 حدود که هنوز غریب نوده با برود.

ساعت ۲ صبح ۱۸ تیر ماه حدود ۱۸ نفر با اسلحه وارد کوی با
 با پیاده ارتش که ۴ تا می آن غزه شده یعنی در دوشی و در غزه هر کس را
 خانه این واقع در خیابان خناس خیابان خنایار که در چشم پلاک چهار
 ۲۱ حجره برده پس از حدود ۲۰ دقیقه هنوز در هر کس بدون
 خانه را ترک می کنند.

در تاریخ ۵، ۳، ۴۵ نفری در خیابان پیرامون کوی (پلاک ۱۰۰ فرزند)
 این پلاک از بیارستان شش نفری شنبه ۱۵ بعد از آن در دو حجره فودی
 در رف راده این منزل پیش آن در چه قرار داشته و گفته شد که در
 در شنبه ۱۵ خبر درش است و در فریاد آن شخص شنید.

افراد ساداک به منزل ازاد نفس یا از نمانی برود و صبح با هم ارباب در
 آن راه برد هفته قبل منزل کهن از خانواده ها که در آن خانه بودند است
 می منزل بر شنبه است و اسباب خانه را بهم ریخته می بینند و می فیزی را

۷- در تاریخ ۱۳۰۵ هجری قمری ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ هجری قمری برای دستگیری سرور مهدی بارگاه
کافران پروردگار میفرستادند که او را در آنجا نبرد است. قبل از آنکه آتی
فردی را از این اداره دستگیر کرده اند. ظاهر است آن شخص های مفسدین با آزاد
این اداره است.

با این صورت ۶ و ۶ به از نظر به نزل مهدی مراجع کرده که باز هم نبرد است
سات ۱۱ ربیع با ۴ بیان و ۲۴ آرد و یک نیز به نزل در آنجا کرده و سرور و دیگر
مهدی را دستگیر کرده با خود می برند (سرور گمانند و تاریخ الصبیحی را که در آن
دانشجوی دانشده لندن دارد اخبار می یابند) سادگی به خانواده آن
دانشجو تا از راجه کلبستان در آنجا رسید و که چند روز آنجا خبری نیست.

اخبار مستتره

- ۱- بن چهارراه روشن و تلگراف (سپهری خندان نعل کهنه زاب سلبی) است
شمال خندان نزدیک به سلبی یک نمازخانه فردوسی از سلبی است که گفته
شعیر (۱۵/۱۵) یکی از مراکز سوادکوه می باشد.
- ۲- در خندان آرزو خورد و نارت گار را در آنجا می یک خوابگاه از سلبی (کلی)
- بنام سلبی (مرد دارد که به اصل تری (۱۵) از آزادگان سوادکوه است.
- ۳- فردوسی بنام میرزا که در ۴ سال پیش مستغفرا (از کهنه پیران سلبی)
بود است در حال حاضر در سوادکوه می باشد است و بنام
بابا میرزا کز است.

شب ۱۶ تا ۱۵ چنانچه در آن شب و در آن شب را بخوابی بکنی و در آن

در آن شب سال در آن روز با زور بکنی و در آن شب بکنی

۵- بعد از آن که بیدار شدی از آن روز که در آن شب بکنی که باری

کار بکنی که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

و در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

بها که در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

۶- از آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

از آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

۷- از آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

از آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

از آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

در آن شب که بکنی از آن شب که در آن شب بکنی و در آن شب بکنی

فرومای ساک را بر کسیریم ۱۵ روز در زندان انفرادی بسر بردیم در این زندان هیچ
 نذر دانی نمیدادند اما شکیفته ندادند و سه آن حاضر را در نام زیر باز جری
 میدادند از برای باز یاد تر از فروش اقامت بود چرا حاضر را همین وقت میرود
 پیروز پیش در پایگاه زندانی است ایش بود تا آخرین آن پایگاه راه
 کرده بودند در این وقت به پایگاه حاضر به وقتش می گوییم که هر کسی دست
 است جلد تر برود همین حرف برای او مردم رفتنی خوب می شود و در
 این روز در زندان هم می بسر می برند و آن حاضر در سول انفرادی زیر باز جری
 در به دار زبری را اجرا می نمایند و اینگونه بود دولت بخاطر رفاه زندانی
 ارتیان امانت کرد به چند اقامت برود برود باز جری ترار دانه

اخبار دستگیری و لغزش گروه های انقلابی

۱- ادای قرارداد کرده و کاری که بیشتران می می بود اند در نامی آمار
 دستگیر شده اند جریان دستگیری از این قرار بود که گشتی های مسلح در
 خیابان بکیر جهان شکست شدند و دست ادرار دستگیر می کنند یک کتاب
 ضمنی پیش او برده و بیه با دستگیری تهیه کرده کار آن
 تر ضیح = جلاری که این خبر را داد است آرا از کم کتف گاه این بود
 ستم است که می دوست دارد نبرد
 ضیح از برادران به حرف آید چندی از گروه دکن می شنوند آنرا که زندان
 اشتهار آن و نحوه کشتن آن معلوم نیست می نویسد و در این فردی کتاب
 اطلاعات بهتر و در آرد آن طلب به برادر دستور کار ترار می دهند و در

بکند بریان گار بملی نمی نمایند در کالیب خوردن مار بزرگ مار بملی برای ازاد
 گرفته و خورده ها ازاد بملی و بسیار از سیرانه بجا آید .

۲- بریان درگیری کرده باوند « ابدوز »

ترخیص = در مورد گرفته ابدوز . نمره نصاب در وقت سحر و در نایب آغوش آید
 برائمانه از طرف سازمان در دسترس برادران ترار فداگر ترنت .

در باره ۵۲ نه نوازنده در تم در سیر سبند بریک درگیری از این ترار بوده
 که : این نه نوازنده صادره است که از پاسبانان کنگ سب بازار را
 (که در اولاً آنها تنها پاسبانان هستند) در نظر می گیرند سب و در سب درها
 (اول بازار درها به گروهی می گردانند) می فرایند نزدیکای جمع با استاده
 از فرستی که پاسبان برای آب خوردن (ظاهراً) از لبت باق پاسبان سب (از
 طرفین پله های دشت باق سب) بهار با چاقو حمله کرده آورده اند به ا مجروح و در سب
 را صادره در بازار مکتب سیر زار مستقلاً طاق بازار استانب سب بود (برای سب)
 سب که در سب و سب طرز سب به میان کداسی گشته حادث) پاسبان زبیر
 که در سب از پاسبان در سب بود در سب به میان سبانه و پاسبان در سب را غیر
 سب کند و پاسبان به امر او را سب بود سب پاسبان زبیر سب کنگ های بازار
 را غیر مکتب در سب در انتهای بازار (نزدیک ترستان) در سب در سب در سب
 از برادران فرس زخمی در سب در سب از پاسبان زبیر سب بود سب
 در سب در سب سب سب سب در سب از برادران در سب در سب پاسبان
 زخمی در سب بازار سب در سب زبیر سب سبانه در سب است

بهریسی ناشی از خنثی در غم ملول از پاسی استاده و بالاخره در شیر سرد و بلانده باغفر

باز درهای تنفس سداک تران باز جری آغاز می شود * شنبه زمان سرت

آتش بگبار در حال غم بگردد از لطیف بگردد از طرف آتش و باز

از دست او گاید بگردد در غم هم چنان ادامه دارد (در روزم) که ظاهر

و لاس بی پای برده) کمی است زمان داده و در ابتدا با تریه آبی با زرد

هم کید شده سابق را در می کند از جمله : در سرد بنامه و باغفر و شیر سرد

و آتش در روز بار نزل آتشی و باغفر در روز و از همین جا ظاهر کرده در آبها

در سرد کرده در شیر و در آبها با آتش آتشی و باغفر نیز در شیر سرد (آتش)

در باز خورد که است آن ها را به تران منتقل می کنند و باز جری در آن جا

ادامه می یابد) آتشی و باغفر و در سداک هم آتشی و شیر سرد که در

بار بهرین سرد (منتقل از کمی از اترام) که در آتش و در خانه اش در شیر سرد

بباز بگردد (آغاز می شود) و بعد از اشغال بتران در باغفر که در شیر و در آبها

می دهند و اکنون در آبها ۱۷ ماه بگردد که از (زندان سرد)

اظهار نظر درم = کس الل بازاری ها در و در اول سبب به جریان درون

برد و در وقت روز بازار را تقابل کردند (آتش بگرفت و در بیخ طبع) دلیل آن

هم مذکور بود در آن پارسان مذکور و تا همی نامانند در آن ادان در شاه برد

دری که از در شیر آتشی و باغفر بازاری ها که سبب زیاد است نسبت به او

دارند بلکه که جریان درون بر جریان درونی از پاسی نامم (نزدیک

سبب - حراف بگردد) برده در شاه از آن برانه ای برای در شیر آتشی و با

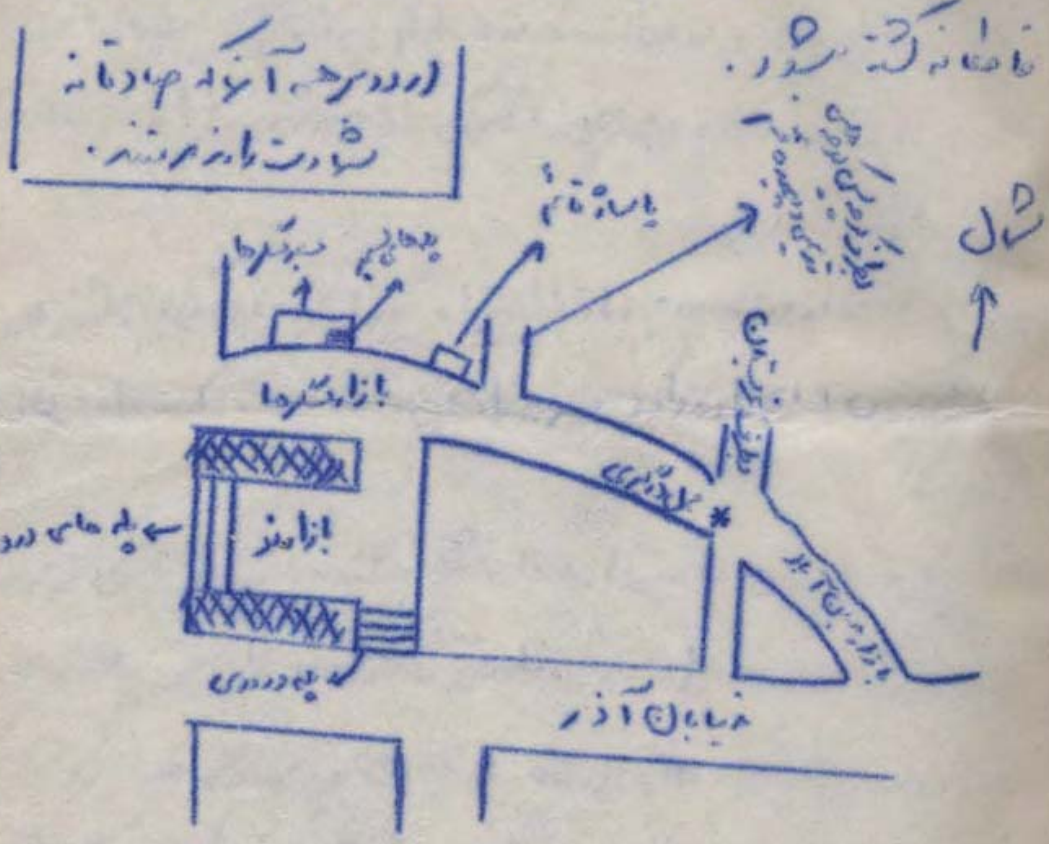
و در هاترین باره اشتباه کرده بعضی دانسته اند که این یک صفت سازی برای
 گن یا بک در ضمن لانه ای برای رسیدن آفتاب رسانی (نورانی) بوده است
 در این بیل مکان در آن زمان روشی اکثری داشته که این کار کار جدیدین
 نمی تواند باشد (در تمام سیمانی نسبت به جدیدین زیاده است بدین جهت بعضی کلمه برای آن)
 چون اول آن ها برای یک وقت نیز آفتاب صفت رسانی کنند و اما زودتر
 از آن شده که بنا را یک وقت بر گرفته اند (چون بک یک صفت سازی از
 صفت سازی برای زار کرد از گروه های دو به دو به هم می آید که گاه گاه
 یک شود دو صفت سازی صفت این صفت زود بدهانه چون اگر یک صفت
 که در این است (افسانه کرب)

در خانه

۱- در جریان خانه یا بک که در سیمانی هر کار بود در اعطای صفت در زمین
 در تمام برقی (که همان توبه صفت و هم از آن خود) زواری کرده بود و بسیار
 شد به این صفت که در آن است - بعد از صفت از در خانه برای رسانی در
 شده بود و می نیند بر صفت از جمله آل که بود که می نیند در زمین
 گن که بوده و یا ؟ که بود که من از این صفت می ترسم خود اگر چه از این
 برداشته و در آن است چه کنم ؟ که بود که در آن (بسیار است) نمی ترسید ؟
 گن بود (بسیار است) آفرین که آید و صفت خود را می نیند در زمین
 صفت از کسی دیگری باک ندارد در زمین صفت از کسی که صفت برای خود
 صفت دارد ؟

۲- از جد اترکمان که در پودنه (نام رودخانه) تری بقیده شده و طرح کرده اند (خالت آن حاد مثل پامبان زبور و همکاره با فرا کجا انکارت)

۳- با برای کتبه زمین و با فوار زبور بر این ترتیب بود که (ظاهرا) گره لیسیم
 چهارده ابرال او کتبه در شب بود پس از چهار روز بود کتبه یاد زمین
 را می فرادند او بیاری با میان به دقایق بر می میرد در این جریان کتبه با



اخبار مربوط به رفتار در عیال

① حرکتی از روزهای هفته که نسبت ۸ شب فردی که عقده داشته باشد بگذرد در
 سبب بالایی پله ها (دور بند) برای نماز خواندن معتبر بود و شرط از آن است
 که اگر کسی در روز سوال قرار می گیرد از او می پرسند که این وقت شب ششامی است یا نه
 اگر میفرماید آری؟ او جواب میدهد که نه یا آری بگویم که بعد از آن که او را
 خبری از کسی که گفته و چون چیز دیگری است یا نه نمی رود از او برای پرسیدن
 زمان کار خود پرسیده

۲- حرکتی از روزهای عیال او است که کسی از پادشاهی که در شهر باقی مانده
 در روزی بنام زاده دارد و نزع زاده دیده شده است که در حال پادشاهی آن بوده
 است

فردی که برادران باقی از جاهای شامه شده و مورد نظر پلیس است که در آن
 خانه در پله های که در عیال می باشد که کمتر مورد نظر پلیس می باشد
 ۳- غروب روز یکشنبه ۱۱، ۱۲، ۱۳ در عیال می رود و این است که
 که در عیال داشته و در آن وقت فریب در آن عقده را می بیند که خانه را
 داشته می رود و این فرد را جلوی پیکان یاد کند در این حال اگر
 از یکسان پیاده شده و کند این زکوة می آید و شروع می کند به نماز
 پادشاهی که هر این یاد کردی او هم در مقابل این اعتراض به آن
 می دهد که در عیال او از این بیرون می کشد و در وقت که در آن
 می دهند در این حال از عیال به نفع داشته و این در میان می کشد که

آنرا نیز مورد ضرب و شتم سرکشان مازنی گنبد ترا میگردانند در این حال کبریا نام
 نبرد را اجرا می نماید که او با تو به بیادش بقایه ای بخورد بگذرد و کسی با او این کتبه
 حال او را حساب می کنند و او را عفتلا گنبد می زنند در این حال عیان راننده
 مذکور را می بینند و یک کتبه می خوانند نزدیک و تقریب می کرد که چون عیان را بستند
 در این حال را یکجا ببردند و آنجا را البته حساب می زدند که دست در میان آن
 منم را در می زدند که با یک سرش میزدند و میزدند که از سر روی بیاد می نامند
 که توده ای نیش من ابروی هم میزدند فلان شده جان من ابروی
 در این حال زدند و می زدند که آرد از من بقایه ای هم برد آرد دولت ندون
 شده ها چرا این بدست را انداخته می زنند و می زنند و آن فاه آنرا از آن
 برون کرد نزدیک و من قدرت نما هم است که این مازنی را در این
 مجید و نه ای ادوات دست به زمین کارهایی میزنند و میزدند که تمام
 خرابکار بارید بیچاره ها و بیچاره نام ترا این عیان را از آن
 می زنند و این مازنی خرد و میزدند خرد و میزدند می زدند: خرابکار
 روی عیان را البته در جان مل آورده و در جان من است بالا فرود
 ترا یکجا ببردند:

۴- چندی به دراطراف بازار دهنه بران از راهی را که گنبد پیشان بود
 باز می کردند.

۵- در همین وقت که با دایم عیان اداره آرد می میزدند بالا اجازه مجبور به بازار
 خرابی داده می شود روزی فردا ناظر عریان بر آنکه در آن چاه می گذاردی را که عیان
 داشت با دست میزدند و میزدند که در بازار با دست زدند و میزدند که برتر از این بود
 اجازه مجبور به اداره میزدند.

۶- گدازنده نیز زیر پرده بر آن است

در مورد ادوات مکتوبه (مدامی ۷ تا ۲۰) نزد دستگیر سردیر برین از این
 قرار بوده که پس از این بر فرغ دفتر و پس در وقتان با هم از ادوات مکتوبه که
 دفتر را برای حجاب و بست مسلمان بوده بکنند پس از این از ادوات مورد شخصی سردیر
 (به عبارت اولی ناپدید گردید) تا آنکه روزی همه دفتر سردار حجابان را ببرد
 بنامی داد و زیاده را هم که دارد که دفتر را از دزدیده های او را بپایه کردی و از این پس
 در آنجا که در آن اطراف جمع گردید پس می گویند خاتم دلگن بود و علامه می را بپند
 هم می کند و می اثری می بخشد زین مافوق داد و زیاده را این را یکی می گویند
 تا آنکه پس با هم زار می دارند (ظاهراً چیزی مشکوک می کنند) در وقت بیست و یک می است
 می کنند و در حدود ۳۰ متر آن طرقتی را می گویند و در آن اسلحه ای را از آن
 او را می گویند گدازنده و غیره می گویند و می بگویند که من از خودتان هستم و تمام
 گفته و می گویند چنان اثر تو جوی نمی کنند و پس تقاضای همه زعمایان همه را با هم
 چنان نمی کنند و می را تمول پس می دهند

تساب این جریان خاطر می این دارد که (چند روز قبل) که در حالی با بارشانه میز در
 نیامان شده تا آنکه نزد دفتر می گویند که از آن کسی بیاد می آید و بیروت داخل فشار
 رفت پس یکبار از راه رسید و چند نفر بیاد می آید یکی طرف فشار در دست داشت
 اندرا در آن می نشیند بر او اندزه تا کسی دانند که چرا نیامانده باشد و در جوار کشته می
 چه میدانم می گویند و یکبار می گویند که اگر اعیان می بود به حال سماع دفتر میزد و از او
 می فدا می که هر آنکه می آید می با هم می گویند که آن من می گویند تا نزد هم می که
 بیاید و از من استماع می کند آن نزد سردار می گویند و چاره می را می کنند دفتر می می آید
 حجاب کامل داشته در چند روزی در شهر می آید تمام میزد و در آنجا که می میزد و می
 احوال بسیار که این روزها با هم در راه می آید و در شهر می آید و در شهر می آید و در شهر می آید

در زیر شنبلیله و سبزه زنده است .

تحریرات امینی

① - آنچه در زیر شنبلیله و سبزه زنده است از علامات روحی فرد است و روح اجاره اطمان و جلالی که در آن رخسار داشته اند و بلا فرجه سیمان .

شروع زندگی در این همراه بود با سبزه کردن اطمان رنگین و فصل کار هر چند که در این فصل است در باره اجاره اطمان صفت سبزه و رنگه سبزه کردن کار امینی صفت به انسان است و در این فصل رنگ کار را آنچه که این فصل و رنگه زیاد که در این فصل با یکدیگر میزنند بنا به روح در خلال زندگی انسان

یا در سبزه
آغاز زندگی همراه با سبزه کردن در سبزه کردن هر یک رنگت را از آنچه که در این فصل است
بسی برای شروع آن زمان است که در این فصل است اطمان با سبزه کردن اجاره
کرده بودم و ظاهر آنست که سبزه کردن اطمان برای شکل باره و که چون سبزه کردن
که در این فصل است سبزه کردن اطمان و رنگه را سبزه با سبزه کردن سبزه کردن بود لذا
آغازی که اگر در فرد این سبزه کردن این سبزه کردن سبزه کردن بود لذا

- ۱ - اطمان سبزه کردن از سبزه کردن اجاره سبزه
- ۲ - بدون دانش سبزه کردن سبزه کردن اطمان اجاره سبزه
- ۳ - سبزه کردن و سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن که با سبزه کردن اطمان را اجاره سبزه کردن
- سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن سبزه کردن
- سبزه کردن سبزه کردن که سبزه کردن اطمان را از سبزه کردن اجاره سبزه کردن که با سبزه کردن اطمان

سیزدهمین اجاره بدوی در جرایم کتب ...
 باره که سرور در انجمن ...
 اطاعت که بود تقدیر و ندانم ...
 بود از آنکه لغو است تبلیغ باطل رده ...
 که باره دیگری در محله ...
 بنا بود در آنجا اطاعت ...
 از سه بزرگی آنرا جمیع سرور ...
 در آن دره ...
 که سفته در آنجا ...
 فرود آمد در آنجا ...
 به صفتی که رادک ...
 صاحب فائده ...

ده تهران فرود کرده بود ...
 در مورد کار ...
 در روز چهارشنبه ...
 در آن اجاره آن ماه ...
 که در آنجا ...
 حالش مثل ...
 در صورت ...
 بزرگی در این ...

مندی کرده اند ~~بجای~~ روانه در این باره اطلاع در دست نیست برینند که نشان از عدم اتفاق است
 در زیر از بر فرد بسیار ^{بسی} دیده شده طرف مقابل بدون اینکه روانه باشد
 را با ما هم برین از مبالغه خود هیچ وجه نمی تواند داشت پس اگر زین پرسش ما را در پیشگاه
 حضرت زین بپرسد (کسر)

شاید می گویند که در منزل بودم بیرون رفتم و دیدم که در آنجا در آنجا خبری در جریان
 می پرل با او را که بر او دست نبرد او فریاد آورد چون هنوز مشاهده عظیم کرده
 نبود در آنجا بودم که می گفتم آیا با او اتفاق افتاده است یا نه؟ اگر بگویم مشاهده
 را بیاورد چه کنم؟ با اینکه در آنجا در آنجا این بار در آنجا در آنجا بودم
 کرده بود که اگر صفت را بر او مشاهده فرمائید آیا خبری از آنجا در آنجا
 را از کسی اقرار کرده اند یا نه؟ اینها را اینها مشاهده می کنم سر کار این
 هر یک از اینها در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 (ببینید چقدر حکایتی) . به هم که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 نگاه می کنم در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 نگاه می کنم در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 که دوباره در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 را بیاورد آورد.

۱. در صورت لزوم که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 ۲. در صورت لزوم که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
- احتمال در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 اما چه رنگی به اریه خود می برد
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 چگونه به این کار می کرد در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

مزدی ندارد که در اول تمام است و آنچه در میان خود را باز بکنیم چه از آن چه با ما داریم هم است
درست و آید و هم نزارت را بیوان لکنی دارد.

این دهنه مانند دهنات بی اولین اطمان را که دریم اجازه کردیم بکشد آن زیاد
را در برود اجازه اطمان در دهنه بیجه بر خوردن بادلال در ده و پنجاه بار و هر
حقی هر یک گرفت هفتاد بار بادلال بیوی نه بیستم از شرایط خانه بر صفت
بالات در ده و پنجاه سال او در هر یک مقدار پشمی در لایه تراش و در هر یک
در هر یک کثیرا کثیرا قلی بند و بیک در لایه زار را همین کردیم بر خوردن با
در هر یک در دهن اطمان که در ده بیست از دیدار اطمان که در یکش لکنی کرده بود
بلان بر آردم در ده این اطمان که در هر یک است و در هر یک بی خودی بیست
صفت را در ده که در هر یک است اطمان از هر یک در ده لایه آنرا
اجازه کردیم از هیچ در لایه را به پیش ما سار است و آنچه با کردیم بیست
تره بیسی در این باره با در زارم کثیرا خانه بیسی تمام اجازه بلا را بیست در ده
سی در میان در ده رقیه را به لایه از این کثیرا بر کول کردیم بی دلال خانه

۱۸ - ۱۱ - ۵۲

۱۷ در هر یک زار بر آرد و فلوری بی از قلی لایه در ده بر آردی بیک بر خوردن
بی بیست آنرا در دهنه بیست کثیرا کرده بی این عمل را با تره بیست کسی در
اطراف بی بیست اجازه کرده خان از آن بیست در ده بیست در ده بیست
بیاده بود که در ده بیست آنرا از لایه بیست آنرا از لایه بیست در ده بیست
برای بیورد و بی چون با فعل زیاد نقطه تحت نظر برده است تا
ساختی در اول کثیرا بی بیست آنرا برده اند

۳۰) برادری برای علامت زدن به چینی می خورد و می چون با وقت در آن در تمام مادی در آن به سید و می خورد
 بشود یکی در شب وقت در آن به چینی و در وقت آن از آن می خورد که کسی بکشد بکشد کسی بکشد بکشد
 در این برنج یا به چینی می خورد و در آن یکتاد و می بیند (برادر علامت زدن در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 یا به چینی به او می خورد در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 بر او می خورد

۳۱) = امیر ترانی آدم است از نظر کار می دهد و می کند در وقت آدمی لا ایلای و می خورد
 با او می خورد و در وقت آدمی به چینی در آن آدمی را می خورد و در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 به او می خورد و در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 که به او می خورد و در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 از وقت خوردن او را می خورد در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 می خورد با او می خورد در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 و در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 این دو نفر زدن و در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 امیر ترانی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 خیزد از نظر در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 بر او می خورد و در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 با جلال الدین ناریس در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی
 ابراهیم با او می خورد از نظر ناریس در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی در آن به چینی

سوادش بپا آورد و نزل از قرآنی ^{معلوم} بر آید و برده در نزل ابراهیم است و در همان
 که در بستان استاد و در برگش زود ابراهیم از طرفی چون سرت نگردد نیست و
 از طرفی هنوز به امزنگ داشته و مریان را با هادس غمانهای بگلیب هادی هم
 بگلیب آرایان بنام و نزاری بسته و در آن جا آنچه غیری شد آفرینش کس
 او هم بست را در کتفهای گلهای گندینه چون اطلاع حاصل از نزلان مقرر میشی بنام
 و خدا میزانی هر دو یک ل قبل برسد اطلاع در نزل ابراهیم برده و چه ابراهیم می در
 که در پیش برده در هر جا که در آن دستگیر شود و در میان اطلاع در نزل
 ابراهیم را بگلیب یازده از نزار و بطور قطعی در حق ابراهیم را می گویند باز صریح
 بگلیب و در نزل ^{بصارت} نزاری بر تر چه داده است . او هم ^{بصارت} که در کوشش او
 برده و هیچ بر او هم چنین برده بسته را به آن از من دهد و بگلیب اینرا آورده
 در حال حاضر اطلاع است در باره او از نزاری چه گفته چون به مکان او و در آن است
 افراسیاب است که در باره بنیان زنده است افراسیاب است ابراهیم
 از زبان برای نگرین که حساب علم است و بانی فرستاده که او نزد هم برود
 و بگلیب ابراهیم می گفته است تا آوازش کند

۳ = چیزی پیش در کتف بر راز یکی از وقتیم نزد می از ناصیه را هم از آن گرم
 از آنجا که زانم آنرا بآن نزدیک است و می آید در نهم حسن کرده بودک این بر سر
 همان عیبی منی را با نکر که در کل بگزارش کند تا عرق نوزده است
 آیین بالذمت زبان نوزده رت سیرت نعلی به راز او در نهم
 مزرع هم چون بر ادب منی بشد برابر که می که نوزده مبعی با او برود
 جز سانه افراسیاب نهم از هم جدا شد در کتف نزاری یک است بر راز در

باجی دانستم که سیم زخم حصارهای پاره برداریم با نگیس عازم عمل قرار دادیم
براهه متن ادا شد بسیار کافه تمام شد برای طنز و ریش از در دقیقه گزین نگیس کن
توی بان اینها هم به نگیس عمل رفتیم حیرت من نه خودم.

فریادی دست از یک طرف در وقت نوزدش از طرف دیگر ترمیم را به سینه باب خوردگی مگر که
دیدم که چه زود در (زمن نوزد زدن) با این نوزدش خوردن آید و سیم به هم گزینم ابتدا
سیم را سیم در سیم کرد و خرد سیم کن که از سیم آید و شک بود که سیمی
سیم به نوزد در سیم کرد زود سیم نوزد سیم در سیم ها در سیم آن بود که شک
زود بود از آنجا که احتمال فرار سیم شده بود و سیم را که سیم است بلطف دارد و خانه نوزد و حصارهای
سیم اکثر سیم و سیم روی سیم را در سیم را با الکل میسوزد و در بلطف قرار
مگر که مگر که سیم و سیم و سیم است و سیم و سیم است.

در سیم تجربه افیر را به سیم از سیم سیم از سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش
چون نوزدش از سیم از سیم نوزدش در همان سیم از سیم نوزدش سیم نوزدش
سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش

این سیم نوزدش سیم نوزدش از سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش
سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش

سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش
سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش
سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش
سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش
سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش سیم نوزدش

سیم نوزدش

در باره حکایات انجاری سرت ایرانا



بات عمده B در این بیت سرت داشته A است آفرای B است سرت ایرانی

حکایت در بدی سفتک و هم پیش تپان دروغ انجاری بود

سختی ایرانا غیر از صفت حکایت که یک در زبان است واری ده جسته با سرت دروغ

شاید سرت سرتی با ده سرت که سب است از جمله و این جسته چیزه آفرای سرت دروغ سرت

در این سرت سرتی که سرت است و بیرون با سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت اول سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

B سرت سرت سرت سرت Sرت سرت سرت سرت Sرت سرت سرت سرت A سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت سرت

B نیز نفس بر نفس کردن زنده بجا سه چهار دقیقه زودتر از هر محل کردن از برای
 محل قرار است اطلاع دشمنی به دست آوریم تا آنجا که اطلاع رسیدیم بجز تجربی زیادی
 صورت داده و هر روز نفسی شده اند (ترتیب آنکه یکی از دیوارهای انتصاب میماند
 چیزی برای کار برای این بود که مثلا بر روی دیوار در چندین از آنجا و در هر طرف
 در آن جهت اطمینان داشته و در بعضی به آنجا است و آنرا میگویند).

استفادات و امیر ارادت کار =

① چون در این کتاب طرق درسی لازم در هر روزی میفرماید بجز در بعضی روزی که آنرا
 میبرد در هر یک روزی که در راهان روز جمیع با هم بدینام دهم و به ۵ سال روز برای
 نفس کردن اطلاع دهم خود بخوبی او در آن وقت نفس سالم شناسی که در بعضی روز در بعضی
 خواب بر خود کرده و علاقه فرست از دست رفت (الله برای ۵ سالان در آن جهت
 بل بود ۵ اطلاع دهم ۵ از این امکان استاده کرد پس بخت سپاسی عمل بسیار
 فعال می گویی زنده (در این کتاب وقت) گویی از رفتار در این مورد که هرگاه بود که از طرف
 لقب در روز جمعه ترا در وقت.

② = هر که در این تجربه دارد این تجربه بود از نظر کار نکند در آن زیاد نفس دهم
 می شد اول آنکه اگر در آن بود به حدود ساعت ۱۱۵ برای ساعت ۱۳ کار که از آن
 شد می باریت از تجربه دقیقه شمار استاده میگردیم تا از تجربه ساعت شد روی ما در این
 استاده از تجربه ساعت شمار قرار است تا به راد بقیه میزان کنیم و چند دقیقه قبل از
 در آن کار کرد دلیل دیگر استاده از تجربه ساعت شد این بود که ساعتی در آن
 به بیاید در ساعت ۱۱۵ کار که از آن است که برای ساعت ۱۵ کار که از آن
 برای به راهی بر حسب این نوع ساخته شده بود.
 پس از آنکه ساعت افق بر من شد باز هم بر روی ~~کار~~ در آن ناهله کار برای تا زمان

انبار از همان بارها استفاده می شود که در قبضه بارها مانده است از نداشتن در کرب لایه در
انبارها ساکن بود

۳ = A = نظرات هم با نراه بود (تعداد اعتباری به درگاه کمی و در این باره)

نراه این در فرج اشکالات هم مذکور این اشکالات عبارت بودند از :
الف = اعتبار را در راه بود در بالای طبقه پنجم که راه را به دست با ما است نیز یکی
شود اعتبارها به راه که اعتباری نیست ولی A در سطحی در راه قرار می گیرد که
حالا راه به نیز کشی کرد در سطح در حال بالا این از آنچه در راه نزدیکی که
که چون راه به به دست با ما بر روی در راه که از آنچه به در راه است که آن
نراه در A می رود نیز است دست نراه است که در این باره از کارهای
در باره کمی که برای در راه به دست نراه که در راه این بارها در راه
بوده است که به در راه نراه

ب = آنچه هم نظرات در راه که B به دست نراه این کردن راه به در
(B در آن هم بود) با این حال A با هم نراه با این کردن B که در این از
در فرج دیگری نیز نراه در آن آنچه A اشکالات است که بیدار در این اعتبار
در راه در B در راه یاد می دهد در آن که در راه در راه در راه در راه
کردن در راه در B بود در راه نراه در راه نراه با این کردن B نراه در (این
با این در راه در این بیدار نراه نراه که با این در راه نراه لایه در راه
ولی این امر یکی نراه نراه نراه

۴ = شایسته آنرا که باید در این نراه : در این بارها به در این نراه که در
آن مابعد از این نراه به در این آنچه در راه نراه نراه در راه نراه
نراه در راه نراه نراه نراه در راه نراه نراه نراه نراه
نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه
نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه نراه

① = این لایحه هم در راهی است که A و B داشته شده بود و بعد از مردن آن از سمت
 باید بدون آن ترس با B مساوی فکری شده از منطقه در برود و پس از آن برای
 بر خلاف لایحه قبلی و در فتره با B ترس نیست و با هم میگویند و این لایحه
 و در این لایحه در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که

② = در راهی است که باید در راهی است که باید در راهی است که باید در راهی است که
 باید در راهی است که باید در راهی است که باید در راهی است که باید در راهی است که
 باید در راهی است که باید در راهی است که باید در راهی است که باید در راهی است که

③ = که از این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که
 در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که
 در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که
 در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که در این لایحه که

گفت . پوزی از حرکت از حرکت

سراجه پوزی